

فتوت نامه

از میر سید علی همدانی

به مقدمه و تصحیح محمدریاض خان

دانشیار دانشگاه دولتی پنجاب پاکستان

پیشگفتار

رساله فتوتیه یا فتوت نامه میر سید علی همدانی^۱ (۷۱۴-۷۸۶ هـ) را می توان «بقامت کهنه و بقیمت بهتر» تلقی کرد. وی در این رساله نخست اصطلاح «اخی» را توضیح میفرماید و سپس معنی و مقصود و منفعت اخلاقی و اجتماعی مسلک فتوت را تعریف میکند و از آن به بعد آداب و رسوم مهم این آئین را با اهمیت سلسله خرقه فتوت بیان نموده است. مطالب بعدی این رساله نقل ده قول بزرگان فتوت و تصوف و قولی جامع از شاه مردان حضرت علی (ع) است این اقوال در باره حقیقت و اصل فتوت میباشد و علی همدانی سایر اقوال را شرح داده است. مؤلف گروه مختلف مردم و روح عبادات اسلامی را توضیح میدهد و در این ضمن بایجاز و اعجاز بیان اوصاف فقیان را بصورت بسیار زیبا و مؤثر ابراز میدارد مثلاً: «ای عزیز! «اخی» باید که به مکارم اخلاق موصوف بود، بخصائل پسندیده آراسته باشد، با پیران بحرمت باشد، با جوانان به نصیحت با اطفالن به شفقت، باضعیفان به رحمت، با درویشان ببذل و سخاوت، با علماء به توقیر و حشمت با ظالمان به عداوت... بفضل و عنایت دیان امیدوار...» اگر این عبارت که در متن می توان دید، بدقت مورد مطالعه قرار گیرد، میتوان مشاهده کرد که علی همدانی سایر اوصاف صاحبان فتوت و بویژه فتوت اجتماعی را جمع کرده و داد فصاحت و بلاغت داده است.

در آخرین رساله خرقه فتوت خود را ذکر میکند که درست و صحیح است (یعنی طبق سلسله کبرویه و کمیلیه، اسامی مشایخ کبار را آنطور ذکر کرده که در کتب معتبر تصوف و فتوت هم آمده است) سبک نگارش این رساله ساده و در بعضی موارد دارای سجع میباشد و بقول خودش درست آنطور نوشته که «زبان وقت املا میکرد». مانند مشایخ و نویسندگان قرن هشتم هجری. سید برای تزئین کلام و تأیید مطلب خود، آیات قرآن مجید و احادیث رسول و اقوال بزرگان و اشعار دیگران را نقل کرده است. از لحاظ اهمیت، این تنها رساله ایست که موجودگی فتوت و

اخی را در قرن هشتم هجری (قرن چهاردهم میلادی) در ایران بطور کامل واضح میسازد. نسخ متعدد این رساله هم دلیلی است برین امر که رساله مورد توجه و مطالعه علاقمندان قرار می گرفته است.

در دائرة المعارف اسلامی انگلیسی نوشته اند که: «شهادت مزید برای موجودگی نهضت ایرانی (اخی) در اثر شیخ و صوفی بزرگ ایرانی، امیر سید علی بن شهاب الدین همدانی ملقب به علی ثانی (۷۱۴- ۷۸۶/۱۳۱۳- ۱۳۸۴ م) میباشد که رساله «فتوتیه» نام دارد. در این رساله خود، او تصوف و فتوت را معادل دانسته و صاحب فتوت یا مدعی فتوت را «اخی» نامیده و این امر دلیل بارز است بر موجودگی این مسلک»^۲

همینطور شادروان پرفسور تشرنآلمانی (۱۸۸۸-۱۹۶۷ م) در اهمیت این رساله نوشته است: «در قرن چهاردهم میلادی (= قرن هشتم هجری) در همان ایامی که اخی در اناقولی طبق مدارک و اسناد موجود رواج داشت در ایران هم اخی رونق و نضج گرفت. شاهد ما درین باب رساله فتوتیه اثر شیخ بزرگ صوفیان امیر سید علی بن شهاب الدین همدانی معروف بعلی دوم (۷۱۴- ۷۸۶/۱۳۱۴- ۱۳۸۴ میلادی) است و درین اثر او نه تنها فتوت را با تصوف برابر دانسته و فتوت دار را «اخی» نامیده بلکه بطور واضح به تشکیلات منظمی هم اشاره نموده است. علی همدانی شخصی را بنام اخی طوطی علیشاهی الختلائی پیر خود در فتوت میداند. این شخص اهل ختلان یعنی از روستایی واقع در قسمت علیای آموی دریا در شمال شرقی ترین نقطه سرزمینی است که بزبان ایرانی تکلم میکنند علی همدانی درین محل اقامت گزید همانجا هم رخت از جهان بر بست و در همان نقطه هم بخاک سپرده شد»^۳

البته درین عبارت پرفسور فقید دو تسمیح نشان داده و اشاره ای به آنها لازم است: یکی اینکه اخی طوطی علیشاهی الختلائی مرید و شاگرد میر سید علی همدانی است نه پیر او؛ دوم اینکه جای وفات سید علی در نزدیکی کونارو «باخلی» بوده است نه در ختلان البته

۱- برای احوال مختصر زندگانی آن عارف رك. شماره ششم همین نشریه (صفحه ۹۵-۹۹)

۲- دائرة المعارف اسلامی (انگلیسی) ج ۲ ص ۹۶۷

۳- مجله دانشکده ادبیات، دیماه ۱۳۳۵، ص ۹۳

نخش او را به ختلان آورده و دفن کرده‌اند.

نسخ رساله فتویه (=فتوت‌نامه) و ترتیب تصحیح و علائم اختصاری نسخ

متن این رساله بمقایسه هفت نسخه خطی و عکسی و نیز از روی نسخه چاپی تصحیح گردیده است. در میان هفت نسخه مذکور چهار خطی و سه عکسی است.

قدیم‌ترین نسخ رساله فتویه بظاهر نسخه عکسی است از کتابخانه ایاصوفیه (سلیمانیه) استانبول که بوسیله استاد مجتبی مینوی عکسبرداری گردیده و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران قرار دارد. (شماره ۶۷۲/۱۸، فیلم ۲۸۷۳) این نسخه در قرن نهم هجری نوشته شده است نسخه معتبر دیگر (اگرچه قسمت آخر آن افتاده است) در سال ۹۰۷ هـ ق نوشته شده و در کتابخانه ملی ملک تهران موجود است (شماره ۴۲۵۰/۱۹). نسخ دیگر نسبتاً جدید و دونسخه از این تعداد (آنطور که دریاورقی‌ها اشارت گردید) قسمتی از متن این رساله را فاقد میباشند.

این رساله بوسیله مارین موله فقید، دانشمند فرانسوی در مجله دانشکده ادبیات استانبول نیز بچاپ رسیده است^۶ و اینجانب متن چاپی را به معرفی و مساعدت خانم دکتر سعیده اشرف نجاری (از لاهور) و آقای اردوغان مرچیل (از استانبول) بدست آورده‌ام. این متن متأسفانه اغلاط و اشتباهات فاحشی دارد. فایده آن درین بوده که چون در آن چاپ از دونسخه قدیمتر استفاده شده است (یکی

۴- عبارت رساله فتویه اینطور است که:

وذلك مما وصيت به الاخ في الله المحسن العواقد السيد اباخي شيخ حاجي علي بن المرحوم طوطي عيشاهي الختلائي اصلح الله شأنه في الدارين
والسه لياس الفتوة التي... كما لبسته من يد شيخ... ابو العيامن محمد بن محمد الازكاني.

۵- شهرهای مرزی افغانستان و پاکستان غربی کنونی

6 — Sorkiyat mecmuasi, Edebiyat Fakultesi Basimevi, Istanbul, 1961. (Kubrawiyat II PP. 33-72).

۷- نسخه اول از روی نسخه خطی شماره ۱۶۴۲ کتابخانه ملی فرانسه میباشد که در آخر آن مرقوم است: «تمت فی ثانی عشر شهر ذی قعدة سنة ۸۶۳ هجرية» و نسخه دوم، خطی شماره ۲۷۹۴ از کتابخانه شهید علی پاشا، استانبول که در آخر آن مجموعه کاتب چنین مینویسد: «تعام شد بعضی مصنفات و اشعار جناب سید العارفین، سند المحققین علی ثانی امیر سید علی همدانی قدس الله سره السبحانی بجوار روضه منور و مشهد معطر حضرت سلطان الاولیاء ابوالحسن امام علی بن موسی الرضا علیه و علی بائیم التحية والتناء بخط العبد الحقیر خادم الفقرا عبد اللطیف قلندر بن عبد الله بن خضر سبزواری بتاريخ خامس جمادی الثانی سنة تسع وتسعين وثمانماية..»

۸- این مقدمه را مرحوم احمد آتش بترکی ترجمه نموده است. ۹- در آغاز این رساله کاتب از روی اشتباه نوشته که مؤلف رساله «فتویه» میرسید محمد همدانی (۷۷۴-۸۵۴ هـ) است یعنی فرزند میرسید علی همدانی، ولی سپس اشتباه خودش را متوجه شده و در خاتمه مینویسد: «رساله فتویه از مصنفات حضرت میادت مآبی قطب الاقطاب و امام الموحدين سلطان الواصلين مجمع الاسماء والصفات الجامع جميع تجليات، علی الثانی امیر سید علی همدانی سلام الله علیه و علی ابائه الطاهرین».

رساله جامع علوم انسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شکر و سپاس آن^۱ صانعی را که حدائق ریاض موجودات را از بیدای ظلمت آباد عدم بصحرای وجود آورد و تخم ارادت را در مزرعه^۲ بوستان غیب ترتیب فرمود تا از آن تخم شجره انسانی سر بر آورد و مشاطه گرم را بفرمود تا جمال کمال انسانی را بزینت^۳ حسن ایمان و زیور کمال عرفان بیاراست و خلعت مطرز^۴ مروت و طلعت انوار خورشید فتوت را خال جمال او ساخت و آب حیات فتوت را که کیمیای خزانه قدم^۵ و نتیجه جود ذات اکرم و رشحه ندای بحر اعظم بود، بیواسطه بعنایت «و نفخت فيه من روحی» (الف) در شجره وجود آدم دمید و شکوفه آن را از غصن خلعت^۶ خلیل: «فتی یذکرهم یقال له ابراهیم (ب)» بشمکفانید و لطائف ثمره آن شکوفه را در حدیقه بوستان سید انبیاء (ص) بکمال رسانید و حقائق شراب طهور آن ثمره را در داروخانه صدر خاتم رسل (ص) با آتش اسرار

(الف) الحجر آیه ۲۹ و ص آیه ۷۲ (ب) الانبیاء آیه ۶۰ (ج) النجم آیه ۱۰ ۱- چ ندارد ۲- م ترعه ۳- م وایا و دخ: بترتیب ۴- م: بطراز دخ مطر ۵- ایا: گرم ۶- م خلعت ۷- م: مشروب؟ ایا: ولایت ندارد

«فاوحی الی عبده ما اوحی» (ج) تصفیه دادو جرعه‌ای از آن شراب بواسطه مشرب ۷ ولایت ساقی کوثر بکام جانهای مستسقیان امت محمدی^۸ رسانید.

و درود بسیار و صلوات بیشمار^۹ برسید کائنات و خلاصه موجودات ماه آسمان مروت آفتاب فلک فتوت، سلطان مسند رسالت، خورشید^{۱۰} برج سیادت، امام نبیاء، قافله سالار اصفیاء، محمد مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات و براهل بیت عظام او که سفینه نجات غرق شدگان دریای طبیعت اندو بر صحابه^{۱۱} گرام او که خزینه اسرار علوم شریعت اند.

اما بعد، ای^{۱۲} عزیز بدانکه لفظ «اخی» لفظی است متداول گشته میان خلق و این لفظ را معنی رفیع^{۱۳} و حقیقتی وسیع^{۱۴} است و بیشتر اهل زمانه بظاهر لفظ بی حاصل و اسم^{۱۵} بی معنی قناعت کرده اند و اسرار حقائق دینی محروم مانده^{۱۶} و جمعی از ارباب نفوس شخصی را بر خود تقدیم میکنند و وی را «اخی» میخوانند و به دواعی مرادات نفسانی چند روزه صحنی با اتفاق^{۱۷} میدارند و آخر بو حشمت و عداوت می انجامد. بدین سبب کلمه‌ای چند بر مقتضای^{۱۸} این معنی آنچه زبان وقت املا کند، در قلم خواهد آمد و ایمانی کرده خواهد^{۱۹} شد تا تنبیهی بود طالبان این معنی را، ان شاء الله تعالی.

ای عزیز بدانکه ارباب طریقت اطلاق این اسم به سه معنی اعتبار کرده اند و سه مرتبه نهاده اند: اول عام دوم خاص سوم اخص. اول لغوی اسمی دوم نصی^{۲۰} حقیقی سوم اصطلاحی معنوی.

اما^{۲۱} اول بدانکه اسم «اخی» در لغت^{۲۲} «برادر» است و عامه مردم برادر کسی را دانند^{۲۳} که از يك پدر یا از يك مادر باشد^{۲۴} و اگر کسی دیگر را برادر خوانند از سر رسم یا تکلف بود اما در واقع او را برادر اعتبار نکنند.

مرتبه دوم خواص مؤمنان اند و علمای دین که بقوت علم و نور ایمان^{۲۵} از مرتبه تقلید و رسوم ترقی کنند و بقدر حوصله هر کس احوال و اسرار و حقائق دین از شواهد اختیار و از آثار «کتاب و سنت» استدلال کنند. پس بحکم «انما المؤمنون اخوة» (الف) همه^{۲۶} مؤمنان را برادر دانند. مرتبه سوم اصطلاحی و آن میان ارباب قلوب و اهل تحقیق است که این طائفه این اسم را اطلاق میکنند بر اهل مقامی از مقامات سلوک که عبارت^{۲۷} از آن مقام «فتوت» است و فتوت مقامی^{۲۸} است از مقامات سالکان و جزوی است از فقر و قسمی است از ولایت.

و از این جهت است که مشائخ^{۲۹} طریقت کثر الله سواد هم چون یکی را^{۳۰} از اصحاب خود که استعداد وی در دقائق مناهج طریقت نوعی از کمالات را^{۳۰} یافته باشند و انوار اسرار حقائق^{۳۱} فقر بر جان او تافته، خواهند که خلیفه خود سازند و وی را خلعتی^{۳۲} تمام پوشانند که عبارت از آن خرقة است.

و چون ارباب فتوت یکی را از اصحاب خود که^{۳۳} متصف بود بکرم و سخاوت^{۳۴} و عفت و امانت و شفقت و حلم و تواضع و تقوی او را «اخی» نام نهند و در مقام فتوت به تربیت^{۳۵} و تعلیم، او را^{۳۶} بر آستانه خدمت نصب کنند و جزوی از خلعت فقر بدو دهند (یعنی) کلاه^{۳۷} و سراویل و این دو خلعت اگرچه جزو خرقة است اما اصل آنست.

اما کلاه بدان جهت است^{۳۸} که تاج کرامت است و اما سراویل از آن جهت که مقصود از خرقة، ستر عورت^{۳۹} است و اصل ستر در عبادات^{۴۰} از ناف است تا به زانو و ستر این محل سراویل است و از این جهت بود که خلیل

۸- پاوچ احمدی ۹- دخ: بسیار ۱۰- معج: خورشید ۱۱- مم: افضل الانام (اضافه بعد از صحابه گرام) در متن کلمه «بستان» بود که «بستان» نوشته‌ام.

(الف) الحجرات آیه ۱۰ ۱۲- در ابا (اضافه کاتب): يقول النبي الخامل المکمل المحقق الصمدانی العارف المعروف بسید علی همدانی قدس الله سره و اظهر لنا بصره. ۱۳- مم رفیعی ۱۴- ایضا و سیمی ۱۵- ج: رسم ۱۶- دخ ماند ۱۷- پاوچ با اتفاق ۱۸- ابا مقتضی ۱۹- ج این جمله را ندارد ۲۰- پا نقلی ۲۱- پا و ج فقط دارد ۲۲- ابا: بمعنی ۲۳- ابا: گویند و قدس: را ندارد ۲۴- در بیشتر نسخ باشند ۲۵- مم: علم و عمل و ایمان ۲۶- ج همه ندارد ۲۷- مم: که فتوت است ندارد ۲۸- ج مقام ۲۹- قدس: طریقت ندارد ۳۰- مم: ابا: اسرار حقائق ندارد ۳۱- بیشتر نسخ: خلعت ۳۲- ابا: که استعداد وی متصف ۳۳- مم: سخا ۳۴- ج: ورا فاقد است ۳۵- ج: وی را ۳۶- ابا و ج: اما کلاه و اما سراویل ۳۷- ج: است ندارد ۳۸- عورت: در مقوچ ۳۹- عبادت.

را صلوات الله علیه که مظهر این معنی بود وحی آمد که «واستر عورتك من الارض» یعنی بیوشان عورت خود را از زمین. بعد ازین وحی ابراهیم را علیه السلام پیوسته دو سراویل بودی چون یکی را به شستن حاجت آمدی دیگری را بیوشیدی.

و همچنان که ۴۱ سراویل و کلاه جزو خرقه است و اما اصل آنست، ۴۲ همچنین فتوت اگرچه مقامی است از مقامات فقا اما اصل جمیع مقامات است و همه مقامات مبنی بروی است بلکه قواعد و اساس جمیع کمالات انسانی بدو منوط است و این معنی جمیع درجات مکارم اخلاق را شامل است.

و چنانکه در عالم ظاهر اگرچه ۴۴ شخصی را فطنت و استعداد بحدی رسد که هزاره کتاب را بی استاد بخواند و فهم کند، اصلا سخن او مسموع نباشد ۴۶ و فتوی وی را اعتبار نباشد تا نزد استادی ۴۷ بخواند که نسبت وی نقل به نقل به صحابه و رسول صلی الله علیه وسلم درست شده باشد، همچنین در طریقت و فقر و فتوت ۴۸ اگر کس صدسال مجاهده کشد و بسعی تمام بذل مجبورد کند آن را هیچ اعتباری ۴۹ نبود تا آنکه خدمت مردی کند که در طریقت و فتوت منتسب ۵۰ بود به رسول صلی الله علیه وسلم و آن خلعت طریقت و فتوت که رسول صلی الله علیه وسلم امیر المؤمنین علی را کرم الله ۵۱ وجهه بدان مخصوص گردانید و ازان حضرت نقل و به نقل بدان کس رسیده بود، بوی رساند و سلسله نسبت فتوت و طریقت را با حضرت رسالت (ص) درست کند.

چون این مقدمات معلوم کردی بدانکه بزرگان امت و مشائخ طریقت قدس الله اسرارهم در حقیقت فتوت سخن بسیار گفته اند. بعضی ازان یاد کرده میشود تا تمسکی بود هل این معنی را:

۱- قال حسن البصری ۵۲ قدس الله سره: «الفتوة ان تكون خصما لربك ۵۳ علی نفسك» شیخ حسن بصری رحمه الله علیه فرمود که فتوت آنست که دشمنی کنی با نفس خود از جهت حق جل و علا ۵۴.

۲- وقال حارث ۵۵ المحاسبی رحمه الله علیه: الفتوة تنصف ولا تستنصف شیخ حارث محاسبی رحمه الله علیه فرمود که فتوت آنست که انصاف بهمه خلق بر خود واجب دانی و انصاف خود از کسی ۵۶ نستانی.

۳- وقال فضیل العیاض قدس الله روحه ۵۷: «الفتوة ان لا تميز من یا کل عندك مومن او كافر، صديق او عدو» شیخ فضیل عیاض رحمه الله علیه فرمود که فتوت آن است که فرق نکنی که نعمت تو که میخورد؟ یعنی در مقام خدمت و ایثار نعمت حق به بندگان او میان مؤمن و کافر تمیز نکنی و میا دوست و دشمن تفاوت ننهی.

۴- وقال الجنید قدس الله سره: «الفتوة بذل الندی و كف الاذی» شیخ ابوالقاسم جنید بغدادی قدس الله سره ۵۸ فرمود که فتوت دادن عطا و بازداشتن بدی است یعنی حقیقت فتوت آنست که چندان که طاققت داری وجود خود را سبب خیر و احسان ۵۹ و واسطه راحت بندگان حق سازی و بر بساطت احسان در مقابله بدان شطرنج بدی نبازی.

۵- وقال سهل قدس الله روحه: «الفتوة اتباع السنة» شیخ سهل بن عبدالله تستری رحمه الله علیه فرمود که فتوت متابعت سنت است. یعنی «اخی» باید که هیچ سنتی از سنتهای رسول صلی الله علیه وسلم فرو نگذارد و بزرگترین سنتی از سنتها حقارت دنیا است. پس هر اخی که ۶۰ دنیا را یا اهل دنیا را بزرگ دارد، مقام فتوت از وی درست نیاید.

۶- وقال ابویزید قدس الله سره: «الفتوة استصغار مامتك واستعظام مالك» سلطان بایزید بسطامی قدس الله روحه ۶۱ فرمود فتوت آنست که آنچه از تو بدیگران رسد از احسان اگرچه بسیار بود آن را اندک شماری ۶۲ و هرچه از دیگران بتو رسد اگرچه اندک بود آن را بسیار دانسی.

۷- وقال یحیی بن معاذ رحمه الله علیه ۶۳: «الفتوة ثلاثة اقسام: حسن الوجه مع الصیانة و حسن القول مع الامانة و حسن

۴۱- چ ندارد که ۴۲- ایضا در میان آنست و هم: که ۴۳- ابومق: برو ۴۴- چه درج ۴۵- مم مزارا ۴۶- چ ندارد و قبل از فتوی هم ندارد ۴۷- قدس: بخواند و ختم کند چ بخواند ۴۸- مم: و فتوت ندارد ۴۹- چ اعتبار ۵۰- بجز درج و یا: برسد به... و در پارسول علیه السلام ۵۱- مم: ندارد ۵۲- حارث فقط در: مع و هم چ شیخ ندارد ۵۳- چ کس ۵۴- چ قال الفضیل قدس الله روحه: مم و دخو قدس ندارد. در ترجمه فارسی پاومج رحمه الله علیه ندارد ۵۸- یا: قدس الله سره ندارد ۵۹- در مق: و احسان سازی و در مقابله بدان شطرنج بدی نبازی (بقیه عبارت را فاقد است) ۶۰- این عبارت پس هر اخی... نباید در چ و ابوا قدس و مم فقط آمده است (۱۲) قدس: که ندارد. ۶۱- قدس: که ندارد، چ سره ۶۲- ایضا شمعی ۶۳- مم یا قدس و چ ندارد

الاخامع الوفاء. شیخ یحیی بن معاذ رازی قدس الله فرمود که فتوت سه قسم است: خوب روئی با پارسائی و خوب سخنی ۶۴ با امانت و خوب برادری ۶۵ کردن با وفاداری. یعنی ۶۶ نعمتهایی که حق تعالی بندگان خود را بدان مکرّم گردانیده است سه ۶۷ است: یکی نعمت جمال ۶۸ است که ۶۹ نتیجه غلبات روحانیت است و عکس و علامت ۷۰ انوار جمالی ازلی است، شعر:

وکل جمیل حسنة من جمالها معارله بل حسن کل ملیحة ۷۱
وآنکه رسول صل الله علیه وسلم فرمود که: «ان الله جمیل یحب الجمال» اشارت بدین معنی است. ۷۲
نعمت دوم فصاحت و بلاغت است که کمال معجزه رسول صلی الله علیه وسلم بدان بود که انا فصیح العرب والعجم
واین از نعمت های بینهایت است.

سوم مال است که آن سبب فراغت دل است از بیم ۷۲ معاش تا بدان به زاد راه معاد مشغول شود و اسباب
طاعت مهیا دارد. پس «اخی» باید که این هر سه نعمت را مطیه ۷۳ سعادت ابدی و سرمایه نجات و نعیم سرمدی سازد.
در جمال پارساو پاکدامن بود، در فصاحت حق گوی و ناصح و در برادری با بذل و با وفا ۷۴.

۸- وقال ابو حفص قدس ۷۵ الله سره: الفتوة ما اختار الله ۷۶ فی کتابه لنبيه صلی الله علیه وسلم وقال الله تعالی:
«خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجہلین» (الف) ابو حفص حداد رحمة الله علیه فرمود که فتوت آنست که ایزد
تعالی اختیار کرده است در قرآن مجید ۷۷ از برای پیغمبر خو صلی الله علیه وسلم و فرمود که یا محمد بگیر یعنی
نگاهدار صفت حلم و در گذار از برادران خود گناه ایشان را و امر معروف کن و از جاهلان رو بر گردان ۷۸. یعنی جهل
ایشان را بجهل مقابله نکن ۷۹.

۹- وقال الدقاق رحمة الله علیه ۸۰: «الفتوة ان تكون من الناس قریبا و فیما بینهم غریبا». استاد ۸۱ ابو علی دقاق
رحمة الله علیه فرمود که فتوت آنست که مردم نزدیک باشی و در میان ایشان غریب یعنی «اخی» ۸۲ باید که ظاهراً
آمیزگار باشد بخلق و یا همه بندگان حق به شفقت و نصیحت و مودت و احسان زندگانی کند و به باطل از همه
بریده بود و در سر پیوسته به حق مشغول باشد.

۱۰- وقال النوری قدس الله روحه ۸۳ «الفتوة احتمال المكروه بحسن المداراة». شیخ ۸۴ ابو الحسن نوری قدس
الله سره فرمود که فتوت آنست که تحمل کنی بخوشدلی آنچه ترا دشوار آید.

واینکه ذکر کرده ۸۵ شد و امثال این بسیار است که اکابر طریقت گفته اند در حقیقت و ماهیت فتوت و اگر بذر همه
مشغول شویم بتطویل می انجامد و همه حق است و هر ۸۶ بزرگی را نظر بر صفتی افتاده است از صفات فتوت.

و فتوت را صفات بسیار است ولیکن مدار جمیع صفات به چهار رکن باز میگردد که ۸۷ آن اساس کار فتوت است
و آن اینست که امام اولیاء ۸۸ و سید اتقیاء، منبع عین فتوت و ۸۹ معدن جود و مروت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب کرم
الله وجهه ۹۰ فرمود در حقیقت این معنی و قال ۹۱: ارکان الفتوة اربعة: العفو مع القدرة والحلم فی حال الغضب و
النصيحة مع العداوة والایثار مع الحاجة». فرمود که ارکان فتوت چهار چیز است: عفو کردن با توانائی و بردباری در وقت
خشم و نیک اندیشی با دشمنی و ایثار کردن با وجود احتیاج بمؤثر به ۹۲.

پس ازین معنی معلوم شد که مجموع مراتب و اوصاف فتوت بحقوق عباد راجع میشود و آنکه رسول صلی الله
۹۳ علیه وسلم فرمود که: «لا يزال الله تعالی فی حاجة العبد مادام العبد فی حاجة اخیه المسلم»، اشارت بدین معنی است

۶۴- ابامق خوبی سخن ۶۵- مم: خوب برادری با خود وفاداری؟ ۶۶- دخ ندارد ۶۷- یا سطر؟ ۶۸- مم جلال؟ ۶۹- چو ۷۰- چ و علامت
ندارد ۷۱- این شعر در رساله مشارب الاذواق علی همدانی هم آمده در سائر نسخ فتوت نامه مفلوط نقل شده است.
۷۲- چ: هم ۷۳- یا مطبه دخ: رابطه ۷۴- یا با بذل و وفا ۷۵- مم و یا قدس و چ ندارد ۷۶- فقط در قدس و مم و چ طبق ترجمه فارسی
درست آمده است ۷۷- چه در قرآن در مم از روی نقص ازین عبارت در قرآن مجید تا منازل شریفه... موجود نمیشد ۷۸- دخ یا روی
بر گردانی از جاهلان ۷۹- مق و مکافات کن به نیکی و امر معروف کن و از جاهلان دور باش ۸۰- دخ و یا ندارد ۸۱- چ ندارد ۸۲- چ ندارد.
۸۳- دخ و یا ندارد ۸۴- قدس ندارد ۸۵- بجز چ و این و... ۸۶- چ همه؟ ۸۷- در سائر نسخ و بجز قدس و چ ۸۸- مم و قدس و یا سید
اولیاء و امام الاتقیاء ۸۹- قدس علیه السلام ۹۰- در قدس که (بجای وقال) ۹۱- قدس و یا ندارد ۹۲- قدس علیه السلام ۹۳- چ علیه السلام.

و هم در صحاح آمده است که «الخلق کلهم عیال الله واحبهم الی الله انفعهم لعیاله». رسول صلی الله علیه و آله ۹۴ و سلم فرمود که خلق همه عیالان خدایند و دوست ترین همه نزد حق تعالی آن کسی است که منفعت به عیالان او بیشتر رساند.

ای عزیز بدان که قافله نفوس انسانی درین منزل که تو آن را دنیا میخوانی، بدو فریق گشته اند: مقبولان حضرت صمدیت و مردودان بارگاه کبریا و مردودان هم بر دو قسمند: اهل شقاوت و اهل خسارت ۹۵.

اما اهل شقاوت آن قوم اند که نقاشان تقدیر ازلی رقم حرمان «انذرتهم ام لم تنذرهم لایؤمنون» (الف) بر ناصیه ایشان کشیدند و دلهای منکس ۹۶ ایشان را بزنگار «کلابل ران علی قلوبهم ماکانوا یکسبون» (ب) از ملاحظه عکس آفتاب توحید محروم گردانید و دیده عقول ایشان را بعمای شرك «فانها لاتعمی الابصار ولكن تعمی القلوب»، (ج) از مطالعه انواریقین محجوب گردانیدند. آن طائفه از اکتساب اسباب نجات نومیدند و از رجوع به مرجع لطف و جمال که عبارت از آن حواری ۹۷ جواد رحمن است، آیس. اموات ۹۸ قبور حقیقی اند که هرگز زندگانی ۹۹ از آن قوم صورت نبنند. چنانکه کلام ربانی از حال ایشان خبر داد که «اموات غیر احیاء». (د)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

(الف) البقره آیه ۶ (ب) المطففین آیه ۱۴ (ج) الحج آیه ۴۶ (د) النحل آیه ۲۱ ۹۴- قدس علیه السلام ۹۵- چ خسارات ۹۶- ایضا منکر ۹۷- مع جواد در بعضی نسخ جوار فاقد است ۹۸- قدس انوار ۹۹- چ زندگی.